



دوماهنامه علمی- پژوهشی

د، ش ۷ (پیاپی ۴۲)، ویژه‌نامه زمستان ۱۳۹۶، صص ۲۰۹-۲۳۱

بازنمایی ایدئولوژیک مطبوعات انگلستان و ایران با نگاه

تحلیل انتقادی استعاره

علی افخمی^۱، کامران شکیبای^{۲*}

۱. استاد زبان‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

پذیرش: ۹۵/۹/۲۱

دریافت: ۹۵/۷/۱۳

چکیده

تحلیل انتقادی استعاره با استفاده از روش التقاطی، شامل تحلیل گفتمان انتقادی، زبان‌شناسی شناختی، کاربردشناختی و غیره است و سعی در روشن‌سازی گفتمان، بازنمایی و بازتولید ایدئولوژی و روابط پنهان قدرت دارد. یک روش گفتمانی بسیار قدرتمند استفاده از استعاره است که قدرت پوشانندگی و متقاعدسازی بسیار بالایی دارد. در این پژوهش سعی شد با استفاده از ترکیب روش‌شناختی لیکاف و کاربردشناختی کامرون، آن چنان که چارتریس بلک^۱ مدنظر دارد، به‌صورت رویکردی تلفیقی، به تحلیل انتقادی استعاره در متون سیاسی روزنامه‌های متقابل مردم‌سالاری و کیهان در ایران و میرر و تلگراف در انگلستان بپردازد؛ در حالی که هر یک از روزنامه‌ها نماینده احزاب مقابل در کشورشان به‌شمار می‌آیند. هدف این پژوهش آشکار شدن تفاوت‌ها و شباهت‌های میان حوزه استعاره‌ها و استعاره‌های مفهومی گفتمان‌های رقیب در هر کشور و رسانه‌های احزاب مهم سیاسی ایران و انگلستان از منظر انتقادی است. از این رو، بخش‌های سیاسی این روزنامه‌ها با درنظر گرفتن دال‌های مرکزی هر حزب و نیز با تمرکز بر پنج حوزه مبدأ تنازع، ساختمان، سفر، مذهب و گیاهان تحلیل شد. نتیجه این پژوهش نشان داد که احزاب و زبان‌ها از وجه نوع به‌کارگیری حوزه مبدأ و تواتر به سبب مسائل فرازبانی اجتماع، تاریخ و فرهنگ با هم تفاوت دارند و نقطه مشترک زبان‌ها در این است که همواره واقعیت سیاسی یکسان به‌دلیل شرایط ایدئولوژیک متضاد، به‌صورتی متفاوت بازنمود می‌شود. این تحلیل در روشن کردن روابط پنهان قدرت گامی مؤثر است.

واژگان کلیدی: تحلیل گفتمان انتقادی، استعاره، ایدئولوژی، معناشناسی شناختی، روابط پنهان قدرت.

E-mail: Kamran.shakiba@ut.ac.ir

* نویسنده مسئول مقاله:

۱. مقدمه

تحلیل گفتمان انتقادی یا همان «سی‌دی‌ای»^۲ در تلاش برای آشکار ساختن رابطه بین متن و ایدئولوژی بوده است. یکی از سؤال‌های اساسی تحلیل گفتمان آن بود که چرا تولیدکنندگان نوع خاصی از کلمات و ساختارها را به‌جای انواع دیگر ترجیح داده، به شیوه خاصی به‌کار می‌برند (van Dijk, 1993: 252). (وندایک، ۱۹۹۳: ۲۵۲). ایدئولوژی برای سی‌دی‌ای به‌عنوان ابزار مهمی جهت حفظ و نگهداری روابط قدرت نابرابر به‌کار برده می‌شود. یکی از اهداف سی‌دی‌ای رازکشایی از گفتمان‌ها از طریق رمزکشایی ایدئولوژی است (Phillips & Jørgensen, 2002: 75) (فیلیپس و یورگنسن، ۲۰۰۲: ۷۵).

یکی از روش‌های بسیار قدرتمند انتقال ایدئولوژی در روابط قدرت استفاده از استعاره‌هاست که قدرت پوشانندگی بسیار بالایی دارد و فرایندی عمیقاً شناختی است. در مطالعه استعاره، همواره از دستاوردهای شناختیون استفاده شده است. با این وجود، علوم شناختی هیچ‌گاه مسئله بافت اجتماعی- فرهنگی و تأثیر محیط را در تحلیل استعاره مدنظر قرار نداده و به این مسئله نپرداخته‌اند که هدف استفاده از این استعاره چه بوده و چرا این نوع استعاره و نه نوعی دیگر در موقعیتی خاص به‌کار رفته است؛ در حالی که این مسئله اساسی تحلیلگران انتقادی بوده است. برای پاسخ به این پرسش که چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی میان حوزه استعاره‌ها و استعاره‌های مفهومی از یک طرف در احزاب متقابل در ایران و انگلستان و از طرفی دیگر، میان زبان انگلیسی و فارسی از منظر انتقادی وجود دارد- با به‌کارگیری رویکرد تلفیقی چارتریس بلک- این گام‌ها برداشته شد.

در پژوهش تحلیلی حاضر، گردآوری داده‌ها با تمرکز بر استعاره‌های بخش سیاسی دو روزنامه کثیرالانتشار حزب اصول‌گرا، یعنی کیهان و حزب اصلاح‌طلب، یعنی مردم‌سالاری در ایران و دو روزنامه کثیرالانتشار حزب کارگر، یعنی میرر^۳ و حزب محافظه‌کار، یعنی تلگراف در انگلستان بوده است. هدف از این انتخاب نگرش کاملاً متقابل ایدئولوژیک روزنامه‌هاست.

در انتخاب روزنامه‌ها سعی شد تا بازه‌ای زمانی با بیشترین بار ایدئولوژیک انتخاب شود، یعنی زمان نزاع‌های حزبی؛ بنابراین متون سیاسی روزنامه‌ها در ایران در سال ۱۳۸۸ و پس از درگیری‌های ریاست جمهوری و در انگلستان انتخاب متون در سال ۲۰۱۰ پس از پایان حاکمیت

چندین‌ساله حزب کارگر بر اکثریت مجلس و تصدی حزب محافظه‌کار بر مجلس و دولت مورد توجه قرار گرفت.

تحلیل استعاره‌ها بر مبنای اصول مرکزی احزاب انجام شد، بدین صورت که بر اساس مطالعات، گفتمان محافظه‌کاری حول دال مرکزی ولایت شکل می‌گیرد که دال‌های دیگری مانند روحانیت، ارزش‌ها، عدالت، تهاجم فرهنگی و توسعه اقتصادی را در یک نظام معنایی خاص به هم مرتبط می‌سازد. از سویی دیگر، گفتمان اصلاح‌طلبی حول دال مردم شکل می‌گیرد که دال‌های دیگری مثل آزادی، جامعه مدنی، قانون‌گرایی و توسعه سیاسی را در یک نظام معنایی ویژه به هم می‌پیوندد (سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۵۳-۱۵۴).

از اصول برجسته حزب کارگر می‌توان به توزیع ثروت و عدالت اجتماعی، خدمات اجتماعی، حمایت از طبقه کارگر در نظام کاپیتالیسم و دخالت دولت در امور اقتصادی اشاره کرد. از دال‌های برجسته حزب محافظه‌کار می‌توان به تشویق به تجارت آزاد، کوشش‌های خصوصی، آزادی شخصی، مالیات کم، حفظ ارزش‌های فرهنگی و در نهایت تأکید بر تقویت نیروی نظامی و دفاعی کشور اشاره کرد (Bale, 2011: 12-22).

گفتنی است تمام مراحل پژوهش حاضر، تنها بر پنج حوزه مبدأ استعاری مشخص انجام گرفته است. این پنج حوزه مبدأ^۱ در مطالعات استعاره در زبان انگلیسی، بیشترین تناوب را داشته و حامل بیشترین بار و رفتار استعاری بوده‌اند و شامل استعاره‌های تنازع^۲، استعاره‌های ساختمان^۱، استعاره‌های سفر^۳، استعاره‌های گیاهان^۴ و استعاره‌های مذهبی می‌شوند (Charteris-Black, 2004: 69). نکته قابل تأمل در این پژوهش، تأکید بر تنوع حوزه‌های مبدأ استعاری در برابر تنوع استعاره‌هاست؛ یعنی با پرداختن به انواع حوزه‌های مبدأ نوع و چگونگی کاربرد آن مشخص می‌شود که چگونه از یک سو، احزاب مقابل و از سوی دیگر، زبان‌های مختلف از استعاره‌های واحد به صورت متفاوتی برای بازنمایی و بازتولید ایدئولوژی‌های مد نظر خود استفاده می‌کنند.

نوآوری پژوهش حاضر در آن است که برای نخستین بار به روشی التقاطی، سعی در مقایسه راهکارهای ایدئولوژیک حوزه‌های مبدأ استعاره‌ها دارد و نه خود استعاره‌ها و همچنین به صورت مقابله‌ای، استعاره‌های دو زبان فارسی و انگلیسی را مطالعه می‌کند و بدین وسیله برای بار نخست، نقاط تفاوت و شباهت میان این دو زبان را آشکار می‌کند.

۲. پیشینه تحقیق

۲-۱. تحلیل گفتمان انتقادی

رکن اصلی تحلیل گفتمان انتقادی، که از زبان‌شناختی انتقادی در اواخر ۱۹۷۰ سرچشمه می‌گیرد، آن است که گفتمان آن چنان‌که می‌نماید و محققان تصور می‌کنند خنثی نیست. از منظر بلومارت^۹ (87: 2005)، تحلیل گفتمان انتقادی یا به صورت مختصر سی‌دی‌ای^{۱۰} در صدد است تا با کمک ابزارهای زبان‌شناختی و با در نظر گرفتن بافت اجتماعی و تاریخی، ایدئولوژی پنهان در متن را آشکار کند و به روابط چندگانه میان زبان، قدرت و ایدئولوژی بپردازد. فرکلانف^{۱۱} (1: 1989) اهداف سی‌دی‌ای را چنین بیان می‌کند: توجه به قدرت بسیار بالای زبان در تولید، تداوم و تغییر روابط اجتماعی قدرت و افزایش سطح آگاهی از وجه تأثیر فوق‌العاده زبان در تسلط برخی افراد در برابر برخی دیگر (نک: وندایک، ۲۰۰۲؛ گی^{۱۲}، ۲۰۰۴؛ بلومارت، ۲۰۰۵).

زبان‌شناسی انتقادی و سی‌دی‌ای به تحلیل روابط ساختاری آشکار یا پنهان سلطه، تبعیض نژادی، قدرت، کنترل و تجلی آن‌ها در زبان علاقه‌مند است. به عبارت دیگر، هدف سی‌دی‌ای فهم نابرابری‌های اجتماعی است؛ آن گونه که در زبان به کار می‌رود و این کاربرد مستمر موجب شکل‌گیری، تثبیت و مشروعیت آن می‌شود. بر همین اساس، اکثر تحلیلگران گفتمان انتقادی ادعای هابرماس را تأیید می‌کنند که «زبان همچنین وسیله سلطه و نیروی اجتماعی است و در خدمت مشروعیت‌بخشی به روابط قدرت سازمان‌دهی شده است» (آقاگل زاده و غیاثیان، ۱۳۸۶: ۳۶).

۲-۲. نگاه زبان‌شناسی شناختی

به‌کارگیری استعاره یکی از روش‌های بسیار رایج مفهوم‌سازی پیام‌هاست. پس از اثر معروف لیکاف و جانسون^{۱۳} (۱۹۸۰) با نام «استعاره‌هایی که ما با آن‌ها زندگی می‌کنیم»^{۱۴}، مطالعه در زمینه استعاره با استقبال فراوانی روبه‌رو شد. آن‌ها در این اثر، که با نام رویکرد معناشناسی شناختی نیز معروف است، میان استعاره‌های روساختی و زبانی از یک سو و استعاره‌های مفهومی زیرین از سوی دیگر تمایز برقرار کردند. این اثر بیان می‌کند که استعاره‌ها ابزار تفکر بشر هستند و استعاره‌های زیرین استعاره‌های رویین و زبانی را برمی‌انگیزند (Lakoff, G. & Johnson, 1980: 69).

زبان‌شناسی شناختی همواره وضعیت‌های اجتماعی - فرهنگی شناخت انسان و ارتباطات آن با گفتمان را نادیده گرفته و داده‌ها را به‌مثابه پدیده‌هایی خارج از بافت و خنثی معرفی کرده است؛ اما تحلیل گفتمان انتقادی (سی‌دی‌ای) همواره به مسائل اجتماعی، نحوه شکل‌دهی و تأثیر گفتمان بر مسائل اجتماعی و تأثیرات بافتی در مطالعات علاقه نشان داده است (van Dijk, 1993: 252).

۲-۳. نگاه کاربردشناسانه

بخش کاربردشناسانه مطالعه حاضر با استفاده از رویکرد کامرون^۱ پیگیری می‌شود. کامرون (2003: 508) بر این باور است که استعاره از طریق دو عنصر اساسی عدم تجانس و امکان حل این عدم تناسب گفتمان (در تعدادی قالب‌های بافتی مانند فیزیکی، اجتماعی، تعاملی، زبانی و مفهومی) و از طریق کاربرد زبان امکان بروز پیدا می‌کند. یکی از اصلی‌ترین استعاره‌های مورد توجه کامرون (206- 201: 2007) در بافت، استعاره نظام‌مند است. استعاره نظام‌مند شامل مجموعه‌هایی از استعاره‌های زبانی مرتبط است که قالب‌بندی استعاره‌ها درباره موضوع و ایده اصلی را شامل بوده، سطح داخلی کاربرد استعاره را به سطح رخداد گفتمان متصل می‌کند. در این رویکرد، کاربرد و تغییر استعاره در گفتمان مبنای کار است و مطالعات گفتمان‌بنیاد درک و فهم جدیدی از ماهیت استعاره به‌دست می‌دهد که نظریه شناختی را تکمیل کرده، به چالش می‌کشد (Cameron, 2008: 334).

۲-۴. آثار داخلی

رضاپور (۱۳۹۰) از پژوهشگرانی است که در ایران به مطالعه تحلیل انتقادی استعاره در متون سیاسی پرداخت و در رساله دکتری خویش نشان داد که نقش اصلی استعاره در گفتمان رسانه-ای بازنمایی و بازتولید ایدئولوژی و همچنین برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی ایدئولوژی‌هاست. وی بیان می‌کند که استعاره‌های نظام‌مند و خوشه‌های استعاره‌ای به‌مثابه گفتمان هستند و سبب ظهور دوباره ایدئولوژی می‌شوند.

برای بررسی آنکه چگونه یک رخداد ارتباطی (متون روزنامه) در خدمت گفتمان موافق یا مخالف قرار می‌گیرد، پژوهشگران نشان دادند که روزنامه‌کیهان به‌مراتب بیش از روزنامه‌اعتماد

از ساخت‌های ایدئولوژیک استفاده کرده و بدین وسیله سعی در تکذیب گفتمان مورد بحث (تخصیص بورسیه‌های تحصیلی در دولت دهم) داشته است؛ در حالی که متون روزنامه‌/اعتماد بار ایدئولوژیکی کمتری داشته است (آقاگل زاده و طارمی، ۱۳۹۴: ۴۴).

پژوهش حاضر می‌تواند به سبب ارائه راهکار جدید برای آشکارسازی ایدئولوژی پنهان در ورای استعاره‌ها و نیز رفتار حوزه‌های استعاری در گفتمان‌ها (به ویژه در رسانه‌ها) بسیار حائز اهمیت باشد. با بررسی دقیق مسئله و کنکاش در متون رسانه‌ای، می‌توان شیوه‌های متعدد تحلیل گفتمانی برای انواع استعاره در گفتمان‌های رسانه‌ای (برای پنهان‌سازی ایدئولوژی) را ارائه نمود تا مخاطبان از این شیوه‌ها برای فهم متون رسانه‌ای آگاه باشند.

۳. چهارچوب نظری: رویکرد تلفیقی تحلیل انتقادی استعاره

رویکرد مورد بررسی در تحلیل داده‌ها، تحلیل انتقادی استعاره، یکی از انشعابات جدید تحلیل گفتمان انتقادی در رشته زبان‌شناسی همگانی است که مطالعه زبان را در بافت اجتماعی و فرهنگی و با در نظر گرفتن دستاوردهای شناختی به صورت انتقادی فراهم می‌سازد. این پژوهش در نظر دارد با روش تحلیلی-توصیفی و با استناد بر رویکرد تحلیل انتقادی استعاره چارتریس بلک، موضوع تفاوت‌ها و شباهت‌های استعاره‌ها و استعاره‌های مفهومی احزاب متقابل ایران و انگلستان را بررسی کند.

چارتریس بلک (11: 2004) رویکرد تحلیل انتقادی استعاره را مطرح می‌کند و در کتاب «رویکردهای پیکره‌بنیاد به تحلیل انتقادی استعاره»^{۱۶}، به تلفیق رویکرد سی‌دی‌ای، زبان‌شناسی پیکره‌ای، کاربردشناسی و زبان‌شناسی شناختی برای رسیدن به پاسخی درست‌تر از وجه آشکارسازی ایدئولوژی پنهان در استعاره‌ها می‌پردازد. از آنجا که معناشناسی شناختی یکی از ابعاد استعاره - که توسط تحلیل انتقادی استعاره آشکار شده است - یعنی ترغیب و استدلال را پنهان می‌سازد، ما در بسیاری موارد با استعاره‌هایی روبه‌رو هستیم که از طریق ایدئولوژی برانگیخته می‌شود. استعاره متفاوت ایدئولوژی‌های متفاوت را منتقل می‌کند و استعاره یکسان به روش‌های مختلف از منظر ایدئولوژیک به کار می‌رود؛ بنابراین تلفیق نگاه شناختی و انتقادی در پیکره مورد مطالعه بسیار ضروری است (Ibid, 247).

چارتریس بلک از دستاوردهای شناختیون به‌ویژه لیکاف نیز بهره می‌جوید. لیکاف در رویکرد شناختی، در میان استعاره‌های روساختی و زبانی از یک سو و استعاره‌های مفهومی زیرین از سوی دیگر تمایز برقرار می‌کند (Phillips & Jørgensen, 2002: 117).

در این پژوهش ما به‌طور اخص، با مفاهیم استعاره و استعاره مفهومی و انواع استعاری ساختاری، جهتی و وجودی سروکار داریم و در نگاه کاربردشناسانه کامرون، با مفهوم استعاره نظام‌مند. برای دسترسی آسان به مفاهیم یادشده و نمونه‌های آن در هر حزب و زبان، نخست تمام مفاهیم مورد نظر لیکاف و کامرون تعریف و با مثال همراه می‌شوند، سپس برای روشن شدن ایدئولوژی متن، داده‌ها با نگاه انتقادی سی‌دی‌ای تحلیل خواهند شد.

گفتنی است که مراحل تحلیل چارتریس بلک همانند فرکلاف است. رویکرد فرکلاف نوعی تحلیل گفتمان متن‌محور است که تلاش می‌کند سه سنت را با هم تلفیق کند: تحلیل دقیق متن در حوزه زبان‌شناسی (شامل گرامر کارکردی هالییدی^{۱۷})، تحلیل جامعه‌شناختی کلان‌کنش اجتماعی (شامل نظریه فوکو که روش‌شناسی مشخصی برای تحلیل متن در اختیار قرار نمی‌دهد) و سنت تفسیری و خرد در جامعه‌شناسی (شامل اتنومتولوژی و تحلیل گفت‌وگو که بر اساس این‌ها زندگی روزمره محصول کنش‌های اجتماعی افراد است) (Ibid). بر اساس نظر وی لی^{۱۸} (۲۰۱۶) و نیز شواهد موجود در آثار تحلیل انتقادی استعاره، این رویکرد با استفاده از سه مرحله معروف فرکلاف به تحلیل انتقادی استعاره می‌پردازد. سطوح تحلیل انتقادی استعاره شامل توصیف، تفسیر و تبیین است.

چارتریس بلک تحلیل متن را به پیروی از فرکلاف، با همان سه مرحله اما با کمی تعدیل پیگیری می‌کند. وی ابتدا به شناسایی استعاره‌های منتخب می‌پردازد؛ بدین صورت که استعاره‌ها بر اساس معیارهای توصیف، یعنی حضور عدم تجانس یا تنش معنایی در سطوح زبانی، کاربردشناسی و شناختی امتحان می‌شوند. وی این مرحله را مانند مرحله توصیف فرکلاف می‌داند. سپس وی به مرحله تفسیر فرکلاfi با نگاهی متفاوت وارد می‌شود و کاستی‌های تحلیل گفتمان انتقادی را با نگاه شناختی رفع می‌کند. بلک در مرحله تفسیر فرکلاfi، بر این باور است که تفسیر استعاره شامل ایجاد و برقراری رابطه بین استعاره‌ها و عوامل شناختی و کاربردشناختی تعیین‌کننده آن‌هاست. این مرحله مستلزم شناسایی استعاره‌های مفهومی است که از منظر لیکاف، این کلان‌استعاره‌ها سطحی زیرین و شناختی تلقی می‌شوند. در نهایت، چارتریس بلک (2004: 9)

مرحله تبیین فرکلافی را این گونه تعریف می‌کند: تبیین استعاره شامل توصیف و شناسایی عاملیت^۹ اجتماعی است که در تولید استعاره‌ها و نقش اجتماعی آن‌ها در استدلال و ترغیب دخیل هستند.

در این پژوهش، همگام با مطالعات اخیر تحلیل انتقادی استعاره، سعی بر آن است تا با رویکردی التقاطی و نگرش به وجوه کاربردشناسانه، شناختی و پیکره‌بنیان به استعاره‌های زبان فارسی و انگلیسی نگاهی انتقادی شود. این مطالعه نشان می‌دهد که چگونه رسانه‌ها با انتخاب هوشمندانه و هدفمند استعاره‌ها، به جهت‌دهی ذهنی و حزبی مخاطبان، متقاعد کردن، پوشاندن دسته‌ای از حقایق و برجسته کردن دسته‌ای دیگر می‌رسند تا بدین وسیله ایدئولوژی خود را تولید و یا بازتولید کنند.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

به سبب محدودیت در تعداد صفحات پژوهش در این جستار، نگارندگان یک نمونه از گفتمان را در این مختصر بررسی کرده و نتیجه بقیه تحلیل‌ها را به صورت داده‌های آماری، در قسمت بعدی مقاله ذکر کرده‌اند.

حوزه مبدأ استعاری تنازع:

آن حریفان خبیث مخملی دیگر توان مقابله را نداشته، از این پس تنها به طبل فتنه‌گری خود می‌کوبند. این فتنه دیگر رنگی چنان سبز بر خود نخواهد دید. بر سربازان گمنام امام زمان است که صف مقدم را در این میدان دفاع از ولایت دست در دست هم یکپارچه ذیل بیانات و هدایات رهبری حمایت کنند. باشد که آن خبیثان زمان تیغ تیز اسلام را در این جنگ نرم تجربه کنند، اما این بار این تیغ بر گرده تمامی آنان و حامیان آنان یکجا فرود خواهد آمد تا عدالت خداوندی برقرار شود (کیهان/حزب اصول‌گرا).

چارتریس بلک (۲۰۰۴) سه سطح تحلیل را شامل شناسایی استعاره‌ها، استخراج استعاره‌های مفهومی و تبیین اجتماعی، تاریخی و سیاسی آن‌ها می‌داند.

منطبق با نظر چارتریس بلک (۲۰۰۴) و شیوه شناسایی استعاره، که بر مبنای حضور عدم تجانس و تنش معنایی است، استعاره‌ها در متن بالا برجسته شدند. همان طور که چارتریس بلک در رویکرد خود مد نظر دارد، استعاره مفهومی زیرساختی حاصل از استعاره‌های زبانی به شکل

«سیاست به‌مثابه تنازع» مشخص شد؛ زیرا تمام استعاره‌های روساختی در خدمت هدف و استعاره بزرگ‌تری به‌نام مشابهت سیاست به تنازع بودند. در ادامه، تبیین استعاره یعنی تحلیل از منظر زبان‌شناسی، کاربردشناسی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی صورت گرفت. به‌لحاظ تحلیل‌های شناختی مورد نظر لیکاف، ما با دسته زیادی از استعاره‌های ساختاری مواجه هستیم که در آن یک مفهوم پیچیده و انتزاعی بر حسب مفهوم دیگر و خصوصاً عینی‌تر اما غیرمستقیم مفهوم‌سازی می‌شود؛ برای مثال مواجهه‌ای سیاسی به‌مثابه جنگ تلقی شده است با عناصری مانند صف، تیر، حامیان، حریفان، سربازان و میدان دفاع. از وجه کاربردشناسانه ما در این گفتمان، با استعاره‌های نظام‌مند کامرون روبه‌رو هستیم. در این نمونه، کلمات بسیاری حول محور موضوع نزاع قرار دارند و مخالفت سیاسی با حزب مقابل را به جنگ تعبیر می‌کنند. بر اساس دیدگاه کاربردشناسانه کامرون (2007: 12)، استفاده بیشینه از استعاره‌های نظام‌مند مؤید این نکته است که آن روایت نزد افراد جامعه پذیرش خاصی دارد که به‌وفور در گفتمان آشتی‌سازی یافت می‌شود.

در گفتمان بالا، بسیاری از عناصر و واژه‌های رایج در گفت‌وگوهای اصول‌گرایان با اصلاح‌طلبان و معترضان درگیری‌های ۸۸ به‌کار رفته است. کلیدواژه‌های متن بر پایه دال‌های ایدئولوژی اصول‌گرایی استوار است که می‌توان به دال مرکزی ولایت و دال‌های ارزش و عدالت اشاره کرد. گفتمان فوق پاسخی از جانب محافظه‌کاران به معترضان ۸۸ و به‌طور کلی اصلاح‌طلبان است.

در راستای تبیین اجتماعی انتقادی نیز می‌توان از راهکارهای ایدئولوژیک وندایک بهره جست. یکی از راهبردهای ایدئولوژیک در گفتمان فوق از منظر وندایک (84-63: 2001)، راهبرد «مقوله‌بندی» است. در این راهبرد، بر اساس روان‌شناسی اجتماعی افراد را مقوله‌بندی می‌کنند. گروه‌ها بعد از مقوله‌بندی، دارای ویژگی‌های مثبت و یا منفی می‌شوند. از نمونه‌های مقوله‌بندی در این گفتمان می‌توان به استعاره‌های «آن حریفان خبیث مخملی» و «سربازان گمنام امام زمان» اشاره کرد که دو صف را در مقابل هم به‌مثابه دو مقوله جدا قرار می‌دهد.

۵. یافته‌های تحقیق

ابتدا لازم است تا به‌صورت مختصر، اقسام استعاره و تعبیر استعاره مفهومی لیکاف و سپس

استعاره نظام‌مند کامرون مطرح شود تا برای بررسی فرضیه این مطالعه معیاری عینی در دست داشته باشیم:

الف. **استعاره ساختاری**^{۲۰}: در یک نظام استعاری، یک مفهوم پیچیده و انتزاعی بر حسب مفهوم دیگر و خصوصاً عینی‌تر به‌طور غیرمستقیم و از طریق مثلاً کاربرد اندام‌های بدن مفهوم‌سازی می‌شود؛ برای مثال، بحث یک جنگ است^{۲۱} (بحث‌مون بالا گرفت/ داغ شد/ من شکستش دادم/ کم آورد/ برش غلبه کردم/...) (Lakoff, G. & Johnson, 1980: 61).

در روزنامه اصول‌گرای کیهان این نمونه‌ها را می‌توان مثال زد:

برخی از رفتارهایی که در اردوگاه اصول‌گرایان انجام می‌شود تیراندازی سیاسی است و ... اگر کسی با قلم و یا سخن خود به اختلافات دامن بزند، باید بداند که در شطرنج حریف بازی می‌کند. رسانه ملی خط مقدم مقابله با اندیشه استکباری است.

در روزنامه اصلاح‌طلب مردم‌سالاری این نمونه‌ها یافت می‌شود:

عواملی در داخل ایران با سناریوی پیچیده دشمن هماهنگ هستند. اکنون توپ در زمین غربی‌هاست و غرب باید در این زمینه در چهارچوب آژانس گام بردارد. عده‌ای بدون توجه به مسائل کشور، در زمین دشمن بازی می‌کنند، اصول‌گرایان به یکدیگر تیراندازی سیاسی نکنند.

در روزنامه محافظه‌کار تلگراف این نمونه‌ها را می‌توان مثال زد:

building a new era of progress. /foundations of political and social belief.

/construct from these crises the pillars of our history./ the door to the moral and intellectual satisfactions. foundation stone of a capital-owning democracy.

در روزنامه میرر، که طرفدار حزب کارگر است، این نمونه‌ها یافت می‌شود:

That is the only way that democracy can flourish. (mixed types+ ontological+

structural)/they can confidently see a vision of a fair and just society./ /laid

the foundation of a strong economy/also defend the agricultural environment.

ب. **استعاره جهتی**^{۲۲}: در این نوع استعاره، نظام کلی مفاهیم بر حسب مفاهیم دیگر سازمان‌دهی می‌شود و این استعاره با جهت‌گیری فضایی مرتبط است، مثلاً خوشحالی بالاست و غم پایین است (Ibid, 45).

روزنامه کیهان:

«دوباره آن هجمه به مقدسات فروکش کرد، امروز دشمنان جمهوری اسلامی در یک روند روبه ضعف و سراشییبی سقوط در حرکت هستند».

روزنامه مردمسالاری:

«ظالمان دنیا در سرازیری سقوط قرار دارند، امروزه زنان و دختران ایرانی گوی سبقت را از مردان ربوده، اگر در زمان‌هایی جلوتر نباشند، به‌طور قطع عقب‌تر نیستند».

روزنامه تلگراف:

Think of our world as it looks from the rocket that is heading toward Mars.
/Great nations of the world are moving toward democracy. Men and women
of the world move toward free markets through the door to prosperity.

روزنامه میرر:

"To these trusted public servants and to my family and those close friends of mine who have followed me down a long, winding road".

ج. استعاره وجودی^{۲۳}: در این نوع از استعاره‌ها، درک تجربیات از اشیا به انسان اجازه می‌دهد تا بخش‌هایی از تجربیاتش را انتخاب کرده، با آن‌ها مانند عناصر یا اشیا مستقل رفتار کند و رخدادهای، فعالیت‌ها، عواطف و عقاید را همانند موجود و اشیا در نظر بگیرد؛ مثلاً «تورم یک موجود است» (=تشخیص) (Ibid, 57- 67).

روزنامه کیهان:

«تار عنکبوت تحریم با کوچک‌ترین نسیم پاره می‌شود، صدای شکستن استخوان مارکسیسم به گوش می‌رسد. بدون تردید دانشگاه‌ها به‌عنوان قلب تپنده جامعه، منشأ بسیاری از تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بوده‌اند».

روزنامه مردمسالاری:

«ظلم و بی‌عدالتی مثل یک ویروس است که اگر جلوی آن نایستیم، گسترش پیدا می‌کند، پیشرفت در این عرصه به‌منزله لوکوموتیوی است که همه صنعت کشور را پشت سر خود به حرکت درمی‌آورد».

روزنامه تلگراف:

"Let us accept that high responsibility not as a burden./As we want small businesses to flourish./the family and the individual to flourish./More realistic attitudes to profit and investment take root" (نوع ترکیبی ساختاری و وجودی).

روزنامه میسر:

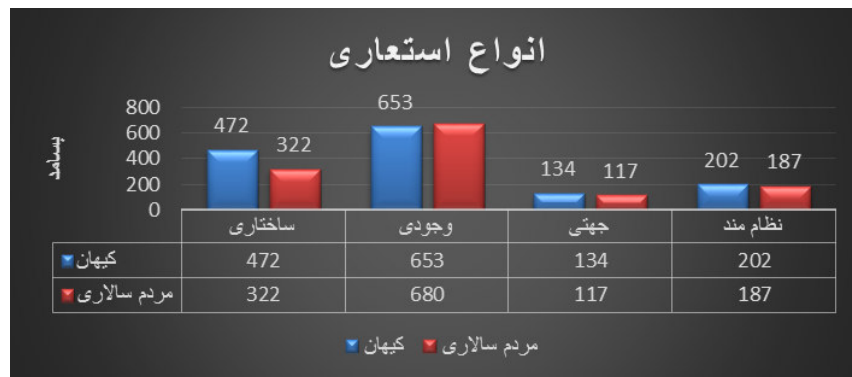
"Labour will create a new framework innovation is to flourish./government, can undertake this mission alone./we will introduce new legislation to help forward our plans for a radical extension of industrial" (نوع ترکیبی ساختاری و وجودی)

د. استعاره نظام مند^۴: استعاره نظام مند شامل مجموعه‌هایی از استعاره‌های زبانی مرتبط بوده که قالب‌بندی استعاره‌ها درباره موضوع و ایده اصلی را شامل می‌شود: Cameron, 1999: (109- 114).

روزنامه کیهان:

بی هیچ تردیدی باید گفت که جامعه بی‌اخلاق و بداخلاق کشتزار شیطان است و بذر گناه و بی‌ایمانی در چنین جامعه‌ای به بار می‌نشیند و قد می‌کشد. جامعه تهیدست از فضیلت‌های اخلاقی، بستر مناسبی برای به برگ و بار نشستن بذر وسواس شیطانی و خواهش‌های نفسانی است.

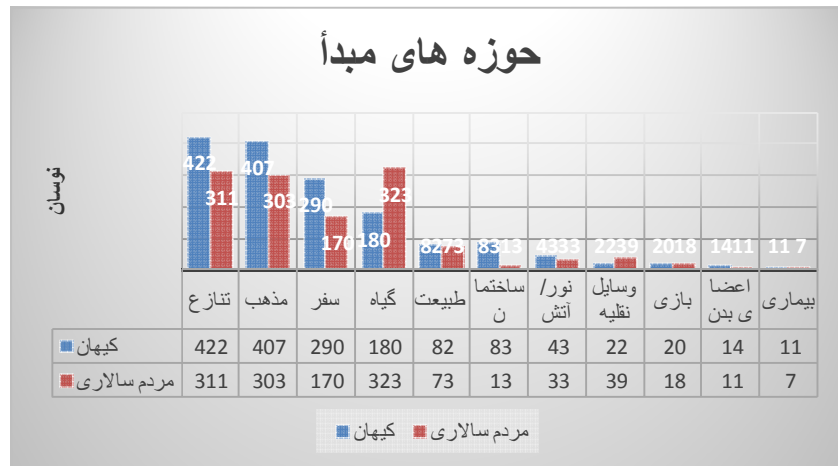
روزنامه کیهان و مردم‌سالاری:



نمودار ۱. انواع استعاره‌های ساختاری، وجودی، جهت‌ی و نظام‌مند در روزنامه‌های کیهان و

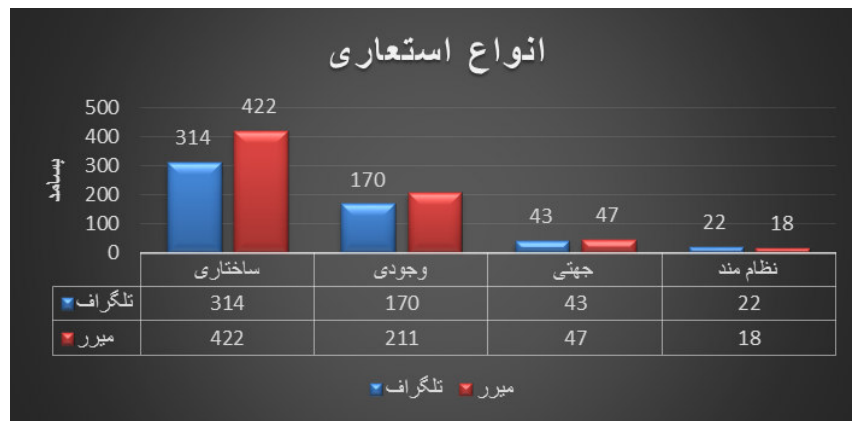
مردم‌سالاری

Column1: Lakoff's structural, ontological, directional metaphors in Keyhan & Mardomsalari



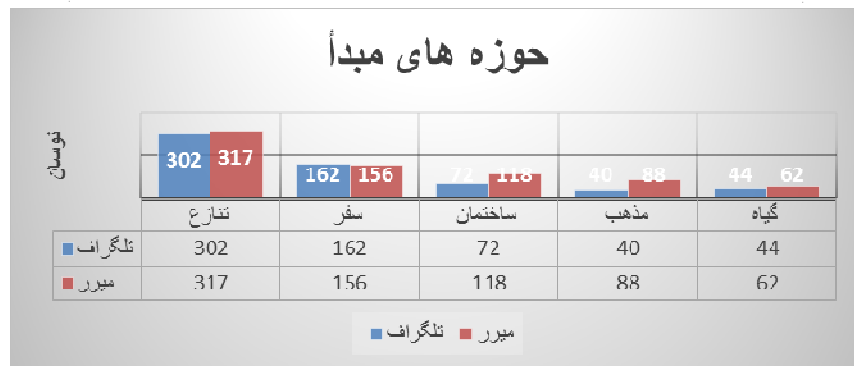
نمودار ۲. کاربرد حوزه‌های مبدأ در روزنامه‌های فارسی‌زبان کیهان و مردم‌سالاری

Column 2: Source domains in Keyhan & Mardomsalari



نمودار ۳. انواع استعاره‌های ساختاری، وجودی، جهتی و نظام‌مند در روزنامه‌های تلگراف و میرر

Column 3: Lakoff's structural, ontological, directional metaphors in Telegraph & Mirror



نمودار ۴: نگاهی به کاربرد حوزه‌های مبدأ در روزنامه‌های انگلیسی‌زبان تلگرام و میرر

Column4: Source domains in Telegraph & Mirror

نگاهی به نمودار کاربرد استعاره‌ها در زبان فارسی و حوزه‌های مبدأ آن نشان می‌دهد که استعاره‌های وجودی، ساختاری، نظام‌مند و جهت‌به‌ترتیب بیشترین تواتر استفاده را دارند و حوزه‌های مبدأ استعاری تنازع، مذهب، سفر، گیاه، طبیعت، نور/ آتش، وسایل نقلیه، بازی، اعضای بدن و بیماری مفهوم‌سازی شدند.

روزنامه‌کپهان نسبتاً از استعاره‌های بیشتری استفاده کرده است، یعنی حدود ۱۵۰۰ استعاره؛ در حالی که روزنامه اصلاح‌طلب مردم‌سالاری حدود ۱۲۰۰ استعاره دارد. روزنامه‌کپهان در سه نوع ساختاری، جهت‌به‌ترتیب و نظام‌مند تواتر بیشتری به انواع استعاره‌ها نشان داد و روزنامه مردم‌سالاری از نوع استعاره وجودی بیشتری استفاده کرد.

حوزه‌های مبدأ تنازع، مذهب، سفر و گیاه به‌ترتیب از بیشترین به کمترین، تقریباً ۷۰ درصد بسامد کل حوزه‌ها را به خود اختصاص دادند و حوزه‌های طبیعت، ساختمان، نور/ آتش، وسایل نقلیه، بازی، اعضای بدن و بیماری به‌ترتیب بقیه بسامد کاربرد را تشکیل دادند. روزنامه‌کپهان با استفاده بیشتر از حوزه مبدأ مذهب، با دال مرکزی خود، که بر مبنای پایبندی به اصول اسلامی و مذهبی بود، نسبیته معنادار برقرار کرد. روزنامه مردم‌سالاری از حوزه ساختمان، بسیار کمتر از تمام روزنامه‌های مورد بررسی استفاده کرد.

نگاهی به نمودار کاربرد استعاره‌ها در زبان انگلیسی و حوزه‌های مبدأ آن نشان می‌دهد که هر

دو روزنامه میرر و تلگرام از تمام انواع استعاره‌های ساختاری، وجودی، جهتی و نظام‌مند استفاده کردند. در این میان، استعاره‌های ساختاری بیشترین و استعاره‌های نظام‌مند کمترین تواتر را داشتند. روزنامه میرر (حامی حزب کارگر) تقریباً در تمام موارد به‌جز استعاره‌های نظام‌مند، تعداد بیشتری از استعاره‌ها را به خود اختصاص داد. این روزنامه با بسامد تقریبی ۷۰۰ استعاره در برابر روزنامه تلگرام با بسامد تقریبی ۵۵۰ استعاره، تعداد بیشتری داشت. حوزه تنازع بیشترین بسامد و حوزه گناه کمترین بسامد را داشت. در هر دو روزنامه، با نوعی استعاره به‌نام «ترکیبی^{۲۵}» مواجه بودیم.

هر دو روزنامه تقریباً از تنازع با بسامد مشابه‌ای استفاده کردند، اما میرر به هنگام استفاده از حوزه تنازع، از کلماتی با ماهیت معنایی حمله‌ای و حزب محافظه‌کار، یعنی تلگراف، در این حوزه از کلماتی با معنایی دفاعی استفاده کرد و همواره در تکاپوی دفاع از ارزش‌هایی بود که حزب کارگر به آن‌ها تاخته بود.

سیاست‌مداران استعاره تنازع را به‌سبب برجسته کردن ایثارگری شخصی و کشمکش فیزیکی به‌کار می‌برند که برای نیل به اهداف اجتماعی ضروری است. آن‌ها به‌صورت ضمنی، حامل این پیام‌اند که سختی‌های کوتاه‌مدت لازمه و پیش‌نیاز اهداف بلندمدت است. یکی از کاربردها و نقش‌های استعاره‌های تنازع در ارزیابی و ارزش‌گذاری اهداف اجتماعی انتزاعی است، بدین صورت که می‌توان بیماری‌های اجتماعی را به‌مثابه «دشمن» تلقی کرد. استعاره‌های تنازع در سه مقوله تقسیم‌بندی می‌شوند: استعاره‌های دفاع، استعاره‌های حمله و استعاره‌های کشمکش.

بیشترین میزان اختلاف میان استعاره ساختمان میان دو حزب کارگر و محافظه‌کار در این پیکره، در کاربرد استعاره موانع است و نه چهارچوب و یا پی. تواتر به‌کارگیری استعاره موانع در حزب محافظه‌کار، دو برابر حزب کارگر است. دلیل این امر را می‌توان در سیاست و ایدئولوژی «لیز فر^{۲۶}»، یعنی سیاست عدم دخالت دولت در امور اقتصادی حزب محافظه‌کار دانست که در آن این حزب سعی دارد تا مفهوم لیز فر را به مفهوم آزادی مرتبط کند؛ بنابراین استعاره موانع شرایطی را برای حزب محافظه‌کار ایجاد می‌کند که در آن، حزب کارگر را به‌مثابه مانعی در راه آزادی و سیاست عدم دخالت دولت در امور اقتصادی نشان دهد. در گفتمان محافظه‌کار، به بیماری‌های اجتماعی حمله مستقیم نشده، بلکه تلاش در برداشتن موانعی‌ای است که حزب کارگر به‌عنوان سیاست بر سر راه اهداف اجتماعی قرار داده و در آن سیاست‌های حزب کارگر به‌عنوان

بیماری‌های اجتماعی تلقی شده است.

هر دو حزب به صورت نسبتاً مشابه استعاره سفر را به کار برده‌اند؛ با این تفاوت که میان وجه زمان و فضا یکسان نبودند. استعاره‌های حزب کارگر در این حوزه معمولاً فضایی بوده و حرکت رو به جلو داشته‌اند، یعنی کلمه forward با کلمات put, bring و move به معنای آوردن، گذاشتن و حرکت کردن همراه است؛ اما در پیکره حزب محافظه‌کار، استعاره‌ها تمایل به وجه زمانی داشتند و کلمه forward با مفاهیم حرکت در زمان همراه بود و نه حرکت در مکان.

از دیگر مواردی که در آن از استعاره مفهومی واحد برای اهداف سیاسی متفاوت استفاده شده، کلیدواژه burden به معنای «بار» است. در استعاره سفر مانند استعاره ساختمان، ما بر اساس دانش دایره‌المعارفی خود می‌دانیم که در سفر ما به صبر و شکیبایی نیاز داریم، زیرا با خود باری را حمل می‌کنیم و موفقیت به زودی به دست نمی‌آید. این عامل بر سر راه رسیدن به هدف و مقصد ایجاد شده است و ما می‌دانیم که چنین بار و یا مانعی ارزش مثبتی ندارد و باید از سر راه برداشته شود. طبق گفته‌های اد میلند^{۲۷} (5: 2015)، رهبر این حزب در روزنامه میرر، عوامل اجتماعی از قبیل بیکاری، دستمزد پایین، فقر، بدهی‌های جهان سوم، ترس از آینده، دفاع و غیره از جمله مصادیق بار به‌شمار می‌آیند؛ اما در متون حزب محافظه‌کار، تنها بار و مانع بر سر راه اهداف اجتماعی مالیات بر درآمد است و تنها شرکت‌های کوچک، کمپانی‌ها و کسب‌وکارها این بار را بر دوش می‌کشند. بنابراین همچنان که کاربرد استعاره‌ها نشان می‌دهد حزب محافظه‌کار گرایش‌های کسب‌وکاری دارد و حزب کارگر گرایش‌های اجتماعی. این نکته باید مد نظر قرار گیرد که اگرچه استعاره‌ها قراردادی شده‌اند و احتمالاً در سطح ناخودآگاه به کار می‌روند، اما کلمات باهم‌آیی، یعنی کلماتی که با این استعاره‌ها همراه هستند، به خوبی بار قضاوتی آن‌ها را نشان می‌دهند.

در مقایسه روزنامه‌های انگلیسی‌زبان تلگراف و میرر یافتیم که گرچه استعاره‌ها مشابه‌اند، ولی رفتار و کارکرد متفاوتی دارند. برای مثال گروهی از استعاره‌ها که در حوزه تنازع بودند (مرتبط با حمله^{۲۸} و دفاع^{۲۹})، به خوبی این تفاوت‌ها را نشان دادند:

Attack on a social ill (Labour/ Mirror):

"During the next parliament, we intend to continue our fight against all form of social injustice".

"We will fight against crime and violence which affects all western societies ... At the same time. We shall attack the social deprivation which allows crime to flourish".

بررسی باهم‌آیی‌ها در پیکره این پژوهش نشان می‌دهد که تمام موارد استفاده از کلمه fight به معنای «جنگیدن» در حزب کارگر، به همراه کلمه against به معنای «علیه» بوده است. این امر نشان می‌دهد که کشمکش‌های سیاسی در این حزب، از وجه حمله به رفتارهای اجتماعی منفی تلقی شده است.

اما در حزب محافظه‌کار بررسی کلمه fight نشان می‌دهد که موارد استفاده از آن به کلمه fighting for به معنای «جنگیدن برای» محدود شده است. این امر حاکی از آن است که حزب محافظه‌کار برای اهداف اجتماعی مثبت می‌جنگد و یا در مقابل اهداف منفی مقاومت می‌کند.^{۳۰} بنابراین کشمکش‌های سیاسی از وجه دفاع تعریف می‌شود.

We have to compete to win. that means a constant fight to keep tight control over public spending and enable Britain to remain the lowest taxed major economy in Europe. It means a continuing fight to keep burdens off business.

کلمه attack به معنای «حمله» در حزب محافظه‌کار کمتر از حزب کارگر به کار رفته است؛^۶ مرتبه در مقابل ۲۸ مرتبه. در همان ۶ مرتبه نیز عمدتاً به معنای اعمال حزب کارگر بوده و نه خود حزب. برای نمونه در مثال زیر داریم:

"And certainly our economic condition is far too grave for our country to be subjected to a divisive and dogmatic attack upon the private enterprise sector of our economy".

بنابراین کاربرد استعاره «حمله» در حزب محافظه‌کار، تنها برای متجاوز نشان دادن حزب کارگر است؛ در حالی که حزب کارگر استفاده بیشتری از کلمه Attack به معنای «حمله» دارد.

این اختلاف در مفهوم‌سازی را می‌توان بازگوکننده تفاوت‌های ایدئولوژیک این دو حزب در مقابل مداخله^{۳۱} و تغییر دانست. بنابراین می‌توان گفت که نظام‌های اعتقادی استعاره‌ها را به صورت ارزشی انتخاب می‌کنند و شناسایی و تحلیل این استعاره‌ها نقش بسزایی در مشخص کردن کارکرد متفاوت آن‌ها دارد.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

در این قسمت، به مقایسه تطبیلی روزنامه‌های فارسی‌زبان و انگلیسی‌زبان پرداخته خواهد شد تا مشخص شود که چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی میان حوزه‌های استعاره‌ای و استعاره‌های مفهومی این دو زبان از نگاه انتقادی وجود دارد و چگونه استعاره ابزاری برای انتقال قدرت و ایدئولوژی

قرار می‌گیرد. توجه شود که تفاوت میان احزاب در هر کشور، در بخش پیشین مورد توجه کامل قرار گرفت.

روزنامه‌های فارسی‌زبان از تعداد استعاره‌های بیشتری در برابر روزنامه‌های انگلیسی‌زبان استفاده کردند. در زبان فارسی در مجموع ۲۷۰۰ استعاره استفاده شد و در مقابل، ۱۲۵۰ استعاره در زبان انگلیسی. در زبان فارسی از حوزه‌های مبدأ بیشتری در مقابل زبان انگلیسی استفاده شد، یعنی تعداد ۱۱ به ۵. به نظر می‌رسد هرچه تمسک به ابزارهای پوشانندهٔ زبانی مانند ساختار مجهول، استعاره و غیره بیشتر باشد، فشار بیشتر و سرکوبگری بافت اطلاع‌رسانی آن جامعه دریافت می‌شود. تعداد بیشتر استفاده از استعاره در زبان فارسی می‌تواند مؤید همین نکته باشد (Fairclough, 2013: 77).

در زبان فارسی همواره از استعاره‌های نظام‌مند استفاده شد که در انگلیسی این گونه نبود. کامرون (2007: 12) معتقد است استفادهٔ بیشینه از استعاره‌های نظام‌مند نشان می‌دهد که آن روایت‌ها در نزد افراد جامعه پذیرش بیشتری دارند. اما استفاده از روایت و داستان در معنای عام و از منظر وندایک، هنگامی صورت می‌گیرد که ساختار پیچیده و تودرتوی داستان در صد توجیه و گاه منحرف کردن اذهان باشد که به‌کارگیری استعاره قدرت این پیچیدگی را دوچندان می‌کند (Charteris-Black, 2004: 179).

در زبان فارسی به‌صورت معناداری، از حوزهٔ مبدأ مذهب بیشتر استفاده شد که این نتیجه مذهبی بودن بافت اجتماعی و یا رسانه‌ای روزنامه‌های ایران را منعکس می‌کند. رابطه و باهم‌آیی تنازع با مذهب در استعاره‌های متون فارسی‌زبان بسیار برجسته و بالا بود.

هرگاه در زبان فارسی از استعارهٔ ساختمان استفاده شد، همواره مفهوم ویران کردن و ترس از خرابی و از بین رفتن به‌چشم خورد؛ حال آنکه در روزنامه‌های انگلیسی در حوزهٔ مبدأ ساختمان، مفهوم‌های ساختن، بنا کردن و یا پایه‌ای بودن و محکم بودن عقاید یافته شد.

تعداد استعاره‌های وجودی در زبان فارسی و استعاره‌های ساختاری در زبان انگلیسی بیشترین بسامد را در پیکرهٔ مورد مطالعه تشکیل داد. استفادهٔ بسیار از نوع استعاره‌های ساختاری در زبان انگلیسی، مطابق با مطالعات پیشین لیکاف (1999: 35) در زبان انگلیسی است. به‌کارگیری استعاره‌های ساختاری، که مفهومی پیچیده و انتزاعی را به‌صورت غیرمستقیم عینی‌سازی می‌کنند، عاملی بسیار قدرتمند از وجه تأثیرگذاری تلقی می‌شود که مفهوم دانش‌محور

گفتمان را ملموس و اثرگذاری آن را دو چندان می‌کند (van Dijk, 2003: 44).

در هر دو زبان، از حوزه تنازع بیشترین استفاده صورت گرفت و پس از آن در زبان فارسی حوزه مذهب و در زبان انگلیسی حوزه سفر قرار گرفت. از منظر چارتریس بلک (2004: 177-179)، از جمله دلایلی که می‌توان استفاده از حوزه تنازع را توجیه نمود، دوری و یا نزدیکی زمانی به دوران جنگ است.

همان گونه که پیش‌تر اشاره شد، زبان فارسی تنوع حوزه‌های بیشتری داشت؛ ولی باید بدین نکته توجه شود که زبان فارسی همانند زبان انگلیسی تقریباً ۹۰ درصد با محوریت همان ۵ حوزه مشترک یعنی تنازع، سفر، مذهب، ساختمان و گیاه به مفهوم‌سازی پرداخت. همگام با مطالعات پیشین چارتریس بلک (۲۰۰۴)، فصل مشترکی میان انواع حوزه‌های زبان انگلیسی و فارسی یافته شد که استعاره‌ها بر مبنای محیط فیزیکی و بلافصل مفهوم‌سازی می‌شوند. رابطه و باهم‌آیی تنازع با مذهب در استعاره‌های متون فارسی‌زبان بسیار برجسته بود.

شاید بتوان تفاوت‌های میان استعاره‌های زبان‌های فارسی و انگلیسی را با همان موضوعی تبیین کرد که چارتریس بلک (2004: 87) بر مبنای تأثیر بافت و موقعیت تاریخی در نظر می‌گیرد؛ یعنی دلیل استفاده کم گفتمان‌های زبان فارسی از استعاره ساختمان و استفاده بیشتر از استعاره تنازع و بالعکس در زبان انگلیسی، دوری و یا نزدیکی زمانی به حوادث تاریخی از قبیل جنگ-هاست. به لحاظ تاریخی، کشور ایران فاصله زمانی کمتری از آخرین جنگ خود داشته، از استعاره‌های تنازع بیشتر استفاده می‌کند. بر اساس یافته‌های هو^{۲۲} (1988: 89)، دلیل مشابهت بالا در استفاده از حوزه‌های استعاره‌ای میان زبان‌ها را می‌توان با این حقیقت تبیین کرد که انگیزه همه کسانی که استعاره‌ها را به کار می‌برند آن است که با تمسک به حوزه‌های آشنای تجارب شخصی و فعالیت‌های اجتماعی، زمینه مشترکی با مخاطبان برای برقراری ارتباط و انتقال پیام و متقاعدسازی ایجاد کنند.

در نهایت، یکی از تفاوت‌های آشکار میان زبان فارسی و انگلیسی در قالب‌بندی ساختار استعاره‌ای برای متقاعد کردن و انتقال ایدئولوژی این بود که همواره استعاره‌ها در حوزه‌های مختلف به صورت تلفیقی آمدند؛ یعنی آنکه ما در زبان فارسی با پدیده ادغام حوزه‌های مواجهه بودیم. برای مثال، همواره حوزه مبدأ تنازع در استعاره‌ها به همراه دیگر حوزه‌ها می‌آمد و به صورت مطلق حوزه مذهب هیچ‌گاه ظاهر نشد و با همراهی دیگر حوزه‌ها در مجموعه استعاره-

ای واحد و به صورت همبسته، روایت‌گونه و نظام‌مند ایفای نقش کرد. این ویژگی، یعنی ادغام حوزه‌ها در انگلیسی بسیار کمتر مشاهده شد.

پس از تحلیل روزنامه‌ها در راستای اهداف پژوهش، ویژگی‌های استعاره‌های به‌کاربرده‌شده در این روزنامه‌ها از وجه حوزه‌های مبدأ و همچنین انواع استعاره‌های جهت‌ی، وجودی و ساختاری لیکاف و استعاره نظام‌مند کامرون بررسی شد. همچنین معلوم شد که چگونه احزاب متفاوت واقعیت سیاسی یکسانی را به دلیل شرایط ایدئولوژیک متضاد به صورت متفاوتی مفهوم‌سازی می‌کنند و از استعاره‌ها برای متقاعد کردن مخاطب و انتقال ایدئولوژی خود استفاده می‌کنند. این تحلیل در روشن کردن روابط پنهان قدرت گامی مؤثر برداشته است.

پژوهش حاضر نخستین مطالعه در زمینه مشخص کردن تفاوت‌ها و شباهت‌های حوزه‌های استعاری و نه لزوماً استعاره‌ها، میان زبان فارسی و انگلیسی بود. به کمک داده‌های آماری مشخص شد که سطوح خرد (=احزاب) و کلان (=زبان‌ها) به دلیل تمرکز بر ایدئولوژی‌های متفاوت و بافت‌های مختلف و گاه نیز مخالف از استعاره‌های متفاوتی بهره می‌جویند. دستاوردهای جدید این پژوهش چنین است: استعاره‌های زبان فارسی خلاف زبان انگلیسی، هیچ‌گاه به‌تنهایی ظاهر نشدند؛ نوع استعاره نظام‌مند کامرون در زبان فارسی بسیار رایج است.

۷. پی‌نوشت‌ها

1. charteris-black
2. Critical Discourse Analysis
3. Mirror
4. source domain
5. conflict metaphors
6. building metaphors
7. journey metaphors
8. plant metaphors
9. Blommaert
10. critical discourse analysis
11. Fairclough
12. Gee
13. Lakoff, G. & Johnson, M
14. metaphors we live by
15. Cameron

16. Discourse analysis: Theory and method
17. Halliday
18. wei Li
19. agency
20. structural metaphor
21. discussion is a war
22. orientational metaphor
23. ontological metaphor
24. systematic metaphor
25. blended
26. laissez faire
27. Ed Miliband...
28. attack
29. defense
30. fight off
31. intervention
32. Howe

۷. منابع

- آقاگل زاده، فردوس (۱۳۸۶). *تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات*. تهران: علمی فرهنگی.
- _____ و مریم غیاثیان (۱۳۸۶). «رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی». *زبان و زبان‌شناسی*، د ۳، ش ۱.
- _____ و طاهره طارمی (۱۳۹۴). «تحلیل زبان‌شناختی گفتمان‌های رقیب در پرونده بوریسیه‌های تحصیلی: رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلانف». *جستارهای زبانی* دانشگاه تربیت مدرس. ش ۳۴، صص ۳۹۱-۱۴۰.
- رضایپور، ابراهیم (۱۳۹۰). «تحلیل گفتمان انتقادی: نقش استعاره در بازنمایی و بازتولید ایدئولوژی در رسانه‌ها». رساله دکتری زبان‌شناسی همگانی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- سلطانی، علی‌اصغر (۱۳۸۴). *قدرت، گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: نشر نی.

References:

- Aghagolzadeh, F. & M. Ghiasian (2007). "Prevailing approaches in critical discourse analysis". *Journal of Language and Linguistics*. Vol. 3 Ed. No. 1. [In Persian].
- ----- & T. Taromi, (2015). "Linguistic analysis of competing discourses in educational scholarship case: Fairclough's approach to CDA". *Language Related Research*. No. 3. Pp. 391-414. [In Persian].
- ----- (2007). *Critical discourse analysis & literature*. SID .Tehran. Scientific and Cultural Publications. [In Persian].
- Bale, T. (2011). *The Conservative Party: From Thatcher to Cameron*. London: Polity Press.
- Blommaert, J. (2005). *Discourse*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Cameron, L. & G. Low (1999). *Researching and Applying Metaphor*. Cambridge: Cambridge University Press.
- ----- (2003). *Metaphor in Educational Discourse*. London: Continuum.
- ----- (2007). "Patterns of metaphor use in reconciliation talk". *Discourse & Society*. 18. Pp 197-222.
- ----- (2008). "A discourse approach to metaphor: Explaining systematic metaphors for literacy processes in a school discourse community". In *Language in the Context of Use: Discourse and cognitive approaches to language*. edited by Andrea Tyler, Yiyoun Kim, Mari Takada. Pp. 321-328.
- Charteris-Black, J. (2004). *Corpus Approaches to Critical Metaphor Analysis*. New York: Palgrave-MacMillan. Ed Milband. Editorials. Mirror Newspaper. 5. 2015
- Fairclough, N. (1989). *Language and Power*. London: Longman.
- ----- (2013). *Critical Discourse Analysis: The Critical Study of Language*. London: Routledge.

- Gee, J. (2004). *Discourse Analysis: Theory and Method*. London: Routledge.
- Howe, N. (1988). *Metaphor in Contemporary American Political Discourse*. *Metaphor and Symbol*. 3(2). Pp. 87-104
- Lakoff, G. & M. Johnson (1980), *Metaphors we Live by*. Chicago, IL: University of Chicago Press.
- ----- (1999), *Philosophy in the Flesh: The Embodied Mind and its Challenge to Western Thought*. New York: Basic Books.
- Phillips & Jørgensen. (2002) , *Discourse Analysis as Theory and Method*. Sage publications. London. Roberts (Eds). pp. 156-164.
- Rezapour, E. (2011). *Critical discourse analysis: Metaphor Role in Reproduction and Representation of Ideologies in Media*. Ph.D. Dissertation in General Linguistics. Tehran. Allame tabatabai University. [In Persian].
- Soltani, A. (2005). *Power, Discourse and Language: Power Relation Mechanisms in Islamic republic of Iran*. Tehran. Ney. [In Persian].
- Van Dijk, T. A. (1993). *Principles of Critical Discourse Analysis*. *Discourse & Society*.
- ----- (2001). *Critical Discourse Analysis. The handbook of discourse analysis*. Pp 352-371.
- ----- (2003). "The discourse-knowledge interface" In G. Weiss & R. Wodak (Eds), *Critical Discourse Analysis: Theory and Interdisciplinary* . Palgrave Macmillan. Pp. 85- 109.
- Wei, L. (2016). "Rethinking critical discourse analysis". *International Journal of English Linguistics*. Vol. 6, No. 2. [In Persian].